

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی

۱۷۴۶۸

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب سراج التبریح

مؤلف

مترجم

شماره قفسه ۱۷۴۱۸



جمهوری اسلامی ایران

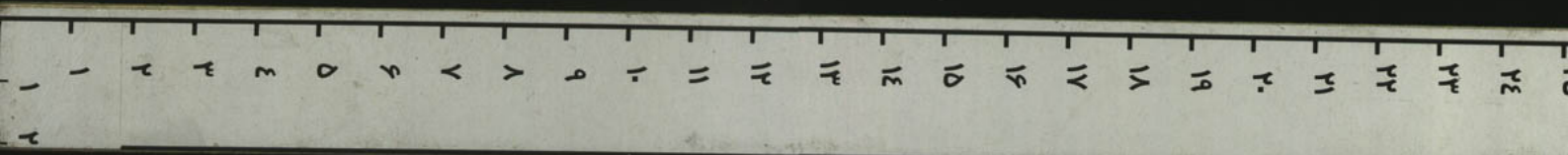
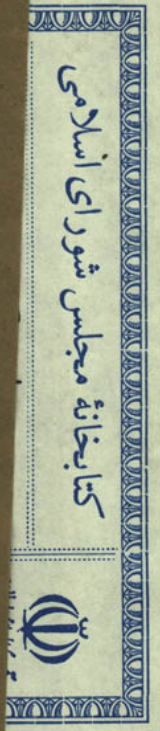
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

شماره ثبت کتاب ۲۰۸۱۲۴

۷۲

این رساله از کتابخانه شخصی
شکر درویش خان برادر غازی امام الشیخ
پادشاه این زمان است

که در قرن مخصوصه
دولادت
میرزا محمد تقی است




۱۷۴۶۸
۲۰۸۶۳۳

حَضَّة اَوَّل
سِرَاج التَّرْبِيَةِ
قَوَاعِدُ وَضُوَابِطِ
دَرْجِيَّةٍ



کتابخانه مجلس شورای اسلامی





بسم الله الرحمن الرحيم

باید دانست که وقت حقیقی حمل نه ماه است پس
 مولودیکه نه ماه بعد از حمل متولد شود صحیح البدن باشد
 و همچنین برکاه بعد از هفت ماه متولد شود نیز
 باقی می ماند در قوت و صحت بدن مانند

نماه

نه ماه می باشد که در جسامت از آن کمتر می باشد
 و وقتی که بعد از هشت ماه متولد کرد دیامرده متولد
 می شود و یا بعد از تولد بزودی می میرد و سبب
 آن این است که نطفه قریب بدت چهل روز
 جنین میگردد پس اگر سرعت نماید در مدت
 سی و پنج روز جنین میگردد و اگر تعطیل نماید
 در مدت چهل و پنج روز جنین میشود پس وقتی

که در مدت سی و پنج روز جنین گردد بعد از مدت
 هفتاد روز حرکت میکند و وقتی که در مدت
 چهل و پنج روز جنین گردد بعد از مدت نود روز
 حرکت می نماید و هر گونه که واقع شود این حرکت
 او در ضعف مدت جنین بودن او پیدایش پس
 وقتی که این زمان حرکت سه چند گردد وقت
 ولادت میرسد پس بینی که در هفتاد روز حرکت

نموده

نموده باشد بعد از دو صد و ده روز که مساوی
 هفت ماه است متولد میگردد و خبثت که در مدت
 نود روز حرکت نماید بعد از مدت دو صد و
 روز که مساوی نه ماه میشود متولد میگردد و اما آنچه
 بعد از مدت شش ماه متولد میشود پس حرکت
 او یا بعد از مدت هفتاد روز خواهد بود و بقرار قائده
 مقرر شده تولد آن بعد از مدت هفت ماه ضرور

بود و تاخیر آن مدت بیکاه البته بسبب آفتی
 بوده است که باعث بلاک او میشود و هرگاه
 در مدت نو در و حرکت نموده باشد پس
 تولد او از مدت نه ماه لازم است و تخمیل
 او مدت ماسی از سبب آفتی است بنا بر این
 ممولو د هفت ماهه و نه ماهه باقی می ماند و مولود
 هشت ماهه باقی نمی ماند و اندک مسلم و چون

لای

برای ولادت لوازم دادابی است که بجهل و
 آنها بقرار قواعد شرعی بر اختیار دار آن لازمی و
 ضروری است و بسبب اهمال آنها نقصانات
 کلی در ابدان و اوصاف اولاد راه یافته است
 بنا بر این زبده همان لوازم را از کتب دینی استخراج
 نموده و در ضمن پنج قاعده درین اوراق تحریر
 گردید بهر جهت اختیار در آن اطفال لازم است که

در هنگام ولادت احکام این قواعد را مرعی دارند
 و بسبب غفلت از آنها باعث ضیاع اطفال
 نگردند زیرا که در شریعت مطهره ضیاع طفل و مردگلا^ن
 فرقی ندارد و بسبب کثرت امت محمدیه علی^صها
 الصلوات والتسلیمات که حکمت و مطلب اصلی
 از نکاح همین است لازم و واجب است
 که اولاد در وقت حمل توجه تمام باحوال حوامل نمود

شود

شود تا زحمت و شقت بدنی که برداشتن بار
 گران و حرکت مفراط و غیره باشد و زحمت
 و شقت نفسانی که حزن و اندوه زیاد یا خو^ف
 مفراط و اوضاع هولناک و غیره است اینهمه
 را بحوامل راه نباید داد که باعث ضیاع جنین
 میگردد و موضع آن بقرار قواعد شریعت قائل
 نفس مؤمنه است پس درین باب توجه تمام را مبذو^ل

داشتن از لوازم است و بعد از مدت حمل
از هنگام ولادت تا زمان رضاع قواعد خاصه
ذیل را مرعی داشته از تخلف آنها احتراز تمام
لازم شمارند و قواعد مذکوره بقرار ذیل است

قاعده اول

اینکه بقرار امر شرعی اول چیزی که در تبسیر مولود
لازم است این است که بعد از نهوض تن او را

انها

از هوا محفوظ داشته و روده ناف او را که
بشمه اتصال دارد با انگشت زو انگشت
شهادت گرفته از طرف شکم بطرف مشیمه بسته
همی مانند آستینچه در آن از ریج و خلط باشد خارج
گرد پس از آن با پشمی نرم تا قه را گرفته و چرب
نموده و روده را در دو جای نزدیک نزدیک
ناف و دیگری بفاصله شبری و آنکه نزدیک

ناف باشد لازم است که بسیار محکم نباشد
تا بطفل الم زید مع روده را نزدیک بستن
ثانی بقدر سه انگشت پائین تر بیع تیر قطع کنند
و بدانند که اینچنین بستن و جا اگر چه معمول عوام
نیست مگر برای دفع بعضی امراض ناف نافع است
و کسانی که کجا بسته و قطع میکنند غلط است
و نیز مالیدن روده بطرف مشیمه از لوازم است

یونان

زیرا که تجربه رسیده است که هرگاه از اخلاط
پاک نشود باعث علت مشابه طفل میشود

قاعده دوم

اینکه بعد از بریدن روده ناف لازم است که
مولود را غسل داده شود تا از آلائش شکم پاک شود
و طریق اصوب در غسل آن است که نمک سود
بر تمام بدن طفل قدری بپاشند و محظوظ او را

پیچیده دارند تا تن می نمک خورده و عفونات
 را کمتر قبول کند بعد از آن در ظرفی کشاده او را
 با آب گرم معتدل غسل دهند و وقت غسل احتیاط
 کنند که آب در گوش نرود و باید که اولاً
 نمک آب بشویند بعد با آب شیرین نمکیم و
 در وقت شستن نمک آب احتیاط تمام
 بنمایند که در دهن و بینی چشم مولود آب نرسد

پس

پس از غسل با پرچه ملایم تن او را خشک نموده
 و در ضربه های نرم سچند و گرمی تن او را قریب
 به هوای شکم مادر نگاه دارند و بتدریج به هوای
 بیرونی معتاد گردانند و غرض عمده حصول صلابت
 و قوت بشره است که بدن طفل نسبت به اوقات
 خارجی در غایت مجانبت میباشد و بدان
 سبب بانگ چسبندگی میاید پس لازم دیده اند

که اول تقویت بشره کوشند تا از آفات
 کثیره محفوظ ماند لهذا لازم دانسته اند که اگر
 تن طفل کثیر الوسخ و زاید الرطوبه باشد پس ضعف
 بشره او زیاده باشد و درین صورت باید که مکرر
 آب نمکین بدن او را بمالند و بعد از آن او را
 آب شیرین شستن لازم دانند که از استعمال
 نمک آب مسام شود پس آب نمک گرم بشویند

تارطوبات

تارطوبات فضلیه تحلیل رود و امر با احتیاط از
 رسیدن نمک بدین بینی و چشم از آن کرده شد
 که اغشیه این اعضا چون در غایت نراکت میباشند
 ورقه دارند پس احتمال قوی است که از حد
 نمک متضرر گردند و فائده اجتناب از وقوع
 آب در گوش اگر چه آب شیرین باشد پرهاست
 پس از رسیدن آب بگوش اجتناب تام لازم نمایند

و در هنگام غسل باید که قابله طفل را بر ذراع
 ایستاده و بنحس بدین طریق که سینه طفل بر ذراع
 قابله باشد و شکم او جدا باشد و بدست است
 غسل و دلک هم میکند و دستها و پاهای طفل را
 تدریج بجهات مختلفه همگیت مثلا دستها را یکبار
 بسوی پشت بر و چنانچه هر دو کف دست
 بنهایت کمر برسد و یکبار دستها را بموضع سینه

و همچنین

و همچنین با پاهای برانهای و باین طریق رسانیده که
 هر دو ساق را بچ داده و قدمهای او را بسیرین وصل
 سازد و بار دیگر هر دو پا پاهای را راست کرده بکشد و
 اینجمله کشیدنها باید که بنهایت رفق و مائی باشد
 تا آسینگی طفل اصلا نرسد و باید دانست که استناده
 سینه طفل بر ذراع قابله و شکمش جدا شترن بهر آن
 اختیار نموده اند که چون سینه سخت است از

ذراع متضرر نخواهد شد بخلاف شکم که هرگاه اعتما
 آن بر ذراع نموده شود خوف تضرر دارد و همچنین
 اگر پشت طفل را بر ذراع نهند پس سبب آنکه اگر چه
 پشت نسبت بسینه استوارتر است لیکن چون سرد و
 طرف که سرین سرد است ثقلت دارد اغلب است
 که پشت طفل کج میشود و بهمان سبب مفاصل
 پشت وی متضرر گردیده آفتی حادث میگردد

و در صورت ما فوق این خوف نیست پس
 تا زمانی که اعضای طفل صلابت و سختی پیدا کند
 لازم است که بهین طریق خوابانیده و غسل دهند
 و هنگام اعتسالی و لا لازم است که قابله انگشت
 خضر در طفل را منفع گرداند تا باران متسع خارج گردد
 و معلوم دارند که جنین در شکم مادر تبرز نمیکند بنابراین
 منجج او مسدود میباشد اما بول میکند بنابراین

اضراج بر از مجتمع و توسیع مخرج آن لازم است

قاعده سوم

اینکه بعد از غسل بخبر قد نرم نشف نموده خشک

سازند و در حالت خشک نمودن نیر او لا

سینه طفل را بر ذراع بپند و با آرامی تمام همه اعضا

او را غم نمایند که اصلاح اشکال او نموده شود و

بعد از آن در ضرق پیچیده و در چشم او روغنی که جلاد

چشم باشد قد ری بریزند تا تنقیه چشم و طبقات آنرا

بنمایند و بعد از آن تنقیه منخرین او را با انگشتان

ناخن بریده بنمایند و ضرورت تنقیه منخرین از آن

که بسبب احتباس خلط مجری تنگی میشود

و باعث خیمت طفل میگردد خاصه در وقت خواب

که هرگاه منخرین بنشیند خواب کرده نمی تواند

و تخصیص ناک کردن با صابغ جهت آن است

که اصابع نرم پیاشند و طفل از مصادمه دیگر
 چیز در شفت می‌شد و ضرورت بریدن ناخن
 ظاهر است زیرا که اگر ناخن نگرفته باشد خوف است
 که مینی را بخراشد بعد از آن در خانه که هوای آن
 گرم باشد و بسیار روشن نیز نبود او را بر بستر
 نرمی خوابانیده و همد او را بچادر خاکستری رنگ
 بپوشند زیرا که هرگاه چادر سفید باشد یا دیگر رنگ

نیز

نیز داشته باشد باعث ضرر ابصار او میگردد
 و لازم است که در حالت خواب بیداری توجیه
 تمام باحوال و نموده شود پس وقتیکه اضطرابی در آن
 دیده شود سبب آنرا معلوم نموده و سعی کنند که
 بر بستر او چیزی نباشد یا پشه و شمشیر و غیره باور
 نیافته باشد که مولود در آن حالت نهایت ایذاء
 می‌یابد و ایذاء وی در آن حالت سبب آنکه عاجز

مخض است در شریعت مطهره نهایت ممنوع
 و مستقبح است چنانچه هرگاه مولود از کفار
 باشد هم رعایت حقوق او بر مسلمان لازم بوده
 و قتل و ایذاء او در شریعت مطهره ممنوع است
 اهل اسلام را از این امر شرعی عبرت لازم است
 که در خدمت مولود اهل تمایز بلکه خدمت
 او را بر خود ما لازم شمارند - پس هر وقت که

مولود

مولود بگیرد لازم است که سبب آنرا معلوم نمود
 هرگاه از گرسنگی باشد دفع آن نموده شود
 و هرگاه از سردی و یا گرمی باشد بلبس و غیره معلوم
 نموده بزودی رو و دفع نمایند

قاعده چهارم

اینکه هرگاه مادر و پدر بولد مولود مطلع گردند
 حمد آبی را بجا آورده و اظهار رضامندی از

از جناب باری تعالی بنمایند و خرسندی
 بولادت پسر و خزن بولادت دختر گاه بنمایند
 زیرا که ایشان ز عاقبت آن خبر ندارند که در کدام
 یک از آنها خیر است و بسا صاحبان پند
 که تمنی عدم آنرا دارند - پس لازم و واجب است
 که بحکم محکم *الْخَيْرُ فِيمَا وَقَعَ* فعل الهی را باعث
 افتخار خود گردانیده هزاران هزار شکر ایزدی را

بجا.

بجای آوردند که ایشانرا اینقدر بقای عمر
 و صحت و رفع موانع عطا فرمود و نسل انسانی که
 باعث تکثیر امت محمدی علی صاحبها الصلوٰه
 و السلام است از ایشان پدید آمد
 در قرآن عظیم در احوال اهل جاهلیت وارد
 گردیده است که *وَإِذْ ابْتَلَّاهُمْ بِلَأْسَتِي*
ظُلُّ وَجْهٍ مَسُودٍ او هو کظیم یعنی و تیکه

مرده داده یکی از ایشان یعنی کافران که ترا
 دختری متولد شده گردد روی او سیاه
 از غم و اندوه و شرمندگی در میان قوم و او پر باشد
 از خشم بزین خود که چهره دخترزادی
 بنا بر آن حذر باید کرد و از کار جهل که حکم قرآن
 عظیم نافی و ناهی آنست محترز باید بود

قاعده پنجم

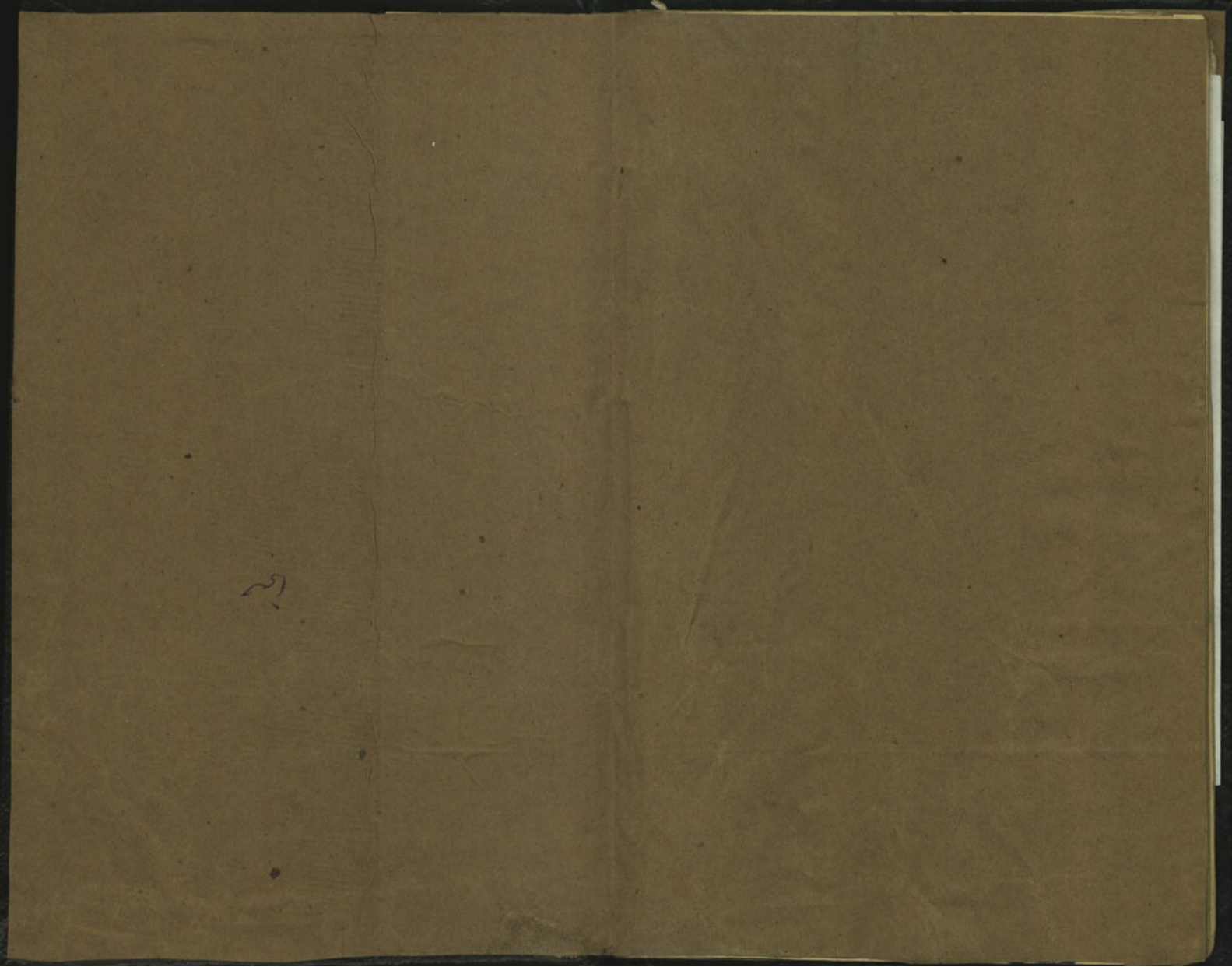
اینکه

اینکه بعد از غسل مولود و پوشانیدن جامه مادر گوش
 آن اذان گفتن سننوست
 پس باید که مردی طفل را در بغل گرفته و با او
 نرم بعد از گفتن بسم الله الرحمن الرحیم
 در گوش راست او اذان و در گوش چپ و
 اقامت بگوید و این بقرا فرموده پیغمبر
 خدا صلی الله علیه و آله وسلم علاوه بر حکمت ما

باطنی موجب رفع مرض ام الصبیان
نیز می باشد اهل اسلام را اطاعت آن
لازم است - و السلام علی من تبع الهدی



کتابخانه مجلس شورای اسلامی



آثار حسینی
۸۶۱/۲۲